

بدترین سوتی‌های پوست شیر که اعصاب شما را به هم ریخت!

پوست شیر با وجود جذابیت های بسیار اما در برخی سکانس ها تماشاگران را عصبانی کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، «پوست شیر» اتفاق مهم شبکه نمایش خانگی ماست. بعد از سال‌ها شاهد یک سریال جنایی ایرانی هستیم که در استانداردهای بالا ظاهر شده و نفس‌گیر است؛ طوری‌که مخاطبان هر هفته در شبکه‌های اجتماعی، حدس‌هایی درباره رباینده «ساحل» مطرح می‌کنند.

اما قسمت دوم از فصل سوم این سریال خوب و محبوب، با انتقادهای زیادی از سوی مخاطبان مواجه شد.

در این قسمت که با تاخیر پخش شد و از قضا غیر از تاخیر، سایت پلتفرم پخش سریال هم از دسترس خارج شد دیدیم که «رضا پروانه» بالاخره راضی می‌شود به بیمارستان برود.

همزمان می‌فهمیم مشکلات با نظر فرمانده‌اش کنار نعیم آمده و با او همکاری می‌کند. در حالی‌که زمان زیادی برای زدن رد رباینده ساحل صرف شده بود مشکلات و نعیم زودتر از حدتصور باغی که ساحل در آن قرار دارد را پیدا کردند. صدرا و لیلا هم دنبال آن‌ها رفتند.

در سکانسی پرتلهاب و کِش‌دار بالاخره ساحل پیدا شد. به بیمارستان منتقل شد. دست پدرش را گرفت. گریه کرد و... بعد هم به اتفاق در ماشین صدرا به سمت خانه رفتند. مشکلات در باغ حلقه‌ای را پیدا کرد که رویش حروف عین و صاد نوشته شده بود. در مسیر برگشت صدرا چند نگاه عاشقانه به ساحل کرد.

بارانی بارید و سکانس احساسی، در حالی‌که پلیس در حال محافظت از ماشین تنها شاهد آدم‌ربایی بود ختم شد به حضور یک موتور سوار که خیلی راحت با تیراندازی ساحل را به قتل رساند.

اما چرا مخاطبان شاکی شدند؟

(۱) تغییر زمان پخش سریال

«پوست شیر» چهارشنبه‌ها ساعت ۸ صبح پخش می‌شود. خیلی‌ها برنامه‌ریزی کردند تا با توجه به حساس شدن داستان، در همان اولین ساعات پخش سریال آن را ببینند. اما ناگافل فهمیدند که سریال ساعت ۸ شب پخش می‌شود.

(۲) التلهاب آفرینی بی‌دلیل

عوامل سریال برای بازارگرایی از مخاطبان خواستند حین تماشای این قسمت از خودشان فیلم بگیرند چون یک غافلگیری اساسی درمیان است. اما چیزی که دیدیم بیشتر ضدحال بود.

چون مخاطب منتظر بود با باز شدن گره‌ای از داستان غافلگیر شود. اما قتل ساحل شگفتانه جالبی نبود که وسط این شرایط اقتصادی و... برای آن تبلیغ شود.

(۳) کش‌دار بودن این قسمت

رضا پروانه به همسرش زنگ نمی‌زند، یا زنگ می‌زند اما پاسخی نمی‌گیرد. پس تا ترمینال دنبال او می‌رود و آن‌جا غش می‌کند. مژگان داخل اتوبوس نشسته و رضا را روی زمین می‌بیند. نیازی به این همه اتفاق برای رفتن رضا به بیمارستان بود؟

(۴) پس پلیس چه کاره است؟

نعیم دو رفیق تابلو در قهوه‌خانه و محله دارد. یکی رضا، دیگری مرتضی. پلیس خیلی راحت می‌توانست با پیدا کردن مرتضی، نعیم را پیدا کند. فیلم را از روی گوشی نعیم بگیرد و پلاک ماشین آدم‌ربا را پیدا کند.

اما طی یک نقشه عجیب، مشکلات طرح رفاقت با نعیم می‌ریزد و یک‌هو خیلی سریع با چند سرنخ مثل جریمه شدن ماشین، به خانه‌ای که ساحل در آن است می‌رسند. زنجیره این وقایع، به‌خصوص نقش خنثی پلیس در ماجرا چندان خوشایند مخاطب نبود.

مشکات که هنوز یک پلیس رسمی است راحت اجازه می‌دهد صدرا و لایلا وارد خانه‌ای شوند که ممکن است خطری در کمین آن‌ها باشد.

از این که بگذریم، به محض ورود، وقتی احساس می‌کنند خانه خالی است هیچ کس ساحل را صدا نمی‌زند تا ساحل با این تصور که آدم‌ربا به آن‌جا برگشته درصدد خودکشی برآید.

این سکانس پراشتهاب اما ضعیف بود. به‌خصوص این‌که درک نمی‌کردیم چرا هیچ کس ساحل را نمی‌بیند و چرا او هیچ‌کس را نمی‌بیند؟

(۶) چرا سوال نپرسیدین؟

پلیس نعیم را که عامل قتل نریمان است خیلی راحت رها می‌کند. دوره‌می به بیمارستان می‌روند. پلیس از تنها شاهدش هیچ سؤالی نمی‌پرسد.

فقط خودروی صدرا را اسکورت می‌کند و در نهایت آدم‌ربا خیلی راحت کنار ماشین می‌آید، دو شلیک پیاپی، نه پلیس کاری می‌کند، نه صدرا که می‌تواند موتور را بعد از شلیک اول پخش زمین کند.

در این فاصله هم هیچ‌کس از ساحل درباره صورت یا صدا یا سرنخی از آدم‌ربا سؤالی نمی‌پرسد. ما سریال را دوست داریم اما اجازه بدهید از این‌همه سهل‌انگاری در فیلمنامه حرص بخوریم.

(۷) اساساً چرا ساحل زنده ماند؟

از این بگذریم که چه‌طور آدم‌ربا اینقدر راحت خودروی صدرا را تعقیب کرد و ساحل را کشت. اما زنده ماندن ساحل که قرار بود بعداً کشته شود چه کارکردی در داستان داشت؟

برخی از مخاطبان معتقدند این سکانس خواب یا تمهیدی مثل این است و ساحل نمرده. حتی اگر این‌طور هم باشد باز هم این نقد به سریال وارد است که چرا باید چنین تمهید ساده‌ای مثل خواب دیدن شخصیت‌ها به داستانی خوب اضافه شود.

تنها سرنخ ماجرا/ اما بین کلی ماجرای حرص‌درآور مختلف، سریال یک سرنخ جدید رو کرد یعنی حلقه‌ای که رویش حروف عین و صاد نوشته شده بود و ذهن خیلی‌ها را سمت همسر صمد یا دوست سابق صدرا برد. گزینه همسر صمد می‌تواند منتفی باشد چون آدم‌ربا با آن مهارت در تیراندازی و موتورسواری نباید یک خانم باشد. از طرفی دوست سابق صدرا هم «تینا» بود که اول اسمش عین نیست.

منبع: آخرین خبر